

Judicial Review of Arbitration Awards in Cyber Disputes with Emphasis on the Principle of Party Autonomy; A Comparative Analysis of the Legal Systems of Iran and France

Nooshin Atarodian¹, Alireza Saberian^{2*}, Abdolrahim Moradi³

1- Ph. D Student, Department of Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

2- Assistant Professor, Department of Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

ABSTRACT

With the rapid expansion of electronic interactions and the increasing complexity of digital environments, arbitration has attracted growing attention as an effective, expeditious, and specialized mechanism for the resolution of cyber disputes. At the same time, the specific nature of cyber crimes and disputes has heightened the need for effective judicial supervision over the arbitral process and arbitral awards. In this context, striking a balance between judicial control and the parties' autonomy in arbitration constitutes one of the fundamental challenges and controversial issues in contemporary legal systems. Accordingly, the present study adopts a comparative approach to examine this balance in the legal systems of Iran and France, analyzing the scope, foundations, and effects of judicial supervision over arbitral awards in cases involving cyber crimes and cyber-related disputes, as well as assessing the compatibility of such supervision with the principle of party autonomy in both legal systems. The findings of the research, based on an examination of library sources, statutory laws, judicial decisions, and international instruments, indicate that in Iranian law, the scope of judicial supervision over arbitral awards particularly in cyber disputes is broader and more restrictive than in French law. This approach, in certain instances, undermines the principle of party autonomy and reduces the efficiency of arbitration. By contrast, the French legal system, with its strong emphasis on contractual freedom, generally limits judicial intervention to exceptional circumstances such as violations of public order and fundamental principles of due process. The results demonstrate that the extensive judicial supervision of arbitral awards in cyber disputes under Iranian law imposes greater constraints on party autonomy compared to French law and, in some cases, diminishes the effectiveness of arbitration. Conversely, by confining court intervention to exceptional cases, the French legal system has achieved a more appropriate balance between judicial supervision and arbitral independence. Accordingly, reducing unnecessary judicial interventions and drawing upon the French legal model may contribute to strengthening cyber arbitration in Iran. By focusing on the specific nature of cyber disputes, this research provides an analytical framework for reforming judicial practice and legislation in Iranian law.

Keywords:

Cyber Arbitration, Judicial Supervision, Arbitral Awards, Party Autonomy, Cyber Disputes.

Article Type: Research Article

How to Cite: Atarodian, N, Saberian, A and Moradi, A. (2026). Judicial Review of Arbitration Awards in Cyber Disputes with Emphasis on the Principle of Party Autonomy; A Comparative Analysis of the Legal Systems of Iran and France. *Journal of Cyber Law (JOCL)*, 3(1), 57-78. doi: 10.22054/jocl.2025.8563.5874

Journal of Cyber Law in Development and Evolution is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License.

© Authors



Corresponding Author: A.saberian@semnaniau.ac.ir

کنترل قضایی بر آرای داوری در دعاوی سایبری با تأکید بر اصل آزادی اراده طرفین؛ تحلیل تطبیقی نظام حقوقی ایران و فرانسه

نوشین عطاردیان^۱، علیرضا صابریان^{۲*}، عبدالرحیم مرادی^۲

۱- دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

۲- استادیار، گروه حقوق، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

چکیده

گسترش روزافزون تعاملات الکترونیکی و پیچیده‌تر شدن بسترهای دیجیتال، موضوع داوری به‌عنوان سازوکاری اثربخش، سریع و تخصصی برای حل و فصل اختلافات سایبری مورد توجه ویژه قرار گرفته است. در عین حال، ماهیت خاص جرایم و دعاوی سایبری، ضرورت ایجاد نظارت مؤثر قضایی بر روند داوری و آرای صادره را افزایش داده است. در این میان، توازن میان کنترل قضایی و آزادی اراده طرفین در داوری، یکی از چالش‌های بنیادین و موضوعات بحث برانگیز در نظام‌های حقوقی معاصر محسوب می‌شود. در این رابطه، پژوهش حاضر با رویکرد تطبیقی، این توازن را در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه بررسی نموده و به تحلیل حدود، مبانی و آثار نظارت قضایی بر آرای داوری در دعاوی ناظر بر جرایم و اختلافات سایبری و سنجش میزان سازگاری این نظارت با اصل آزادی اراده طرفین در هر دو نظام حقوقی مبادرت نموده است. یافته‌های پژوهش که بر مبنای بررسی منابع کتابخانه‌ای، قوانین، آرای قضایی و اسناد بین‌المللی انجام شده، نشان می‌دهد که در حقوق ایران، دامنه نظارت قضایی بر آرای داوری، به‌ویژه در دعاوی سایبری، گسترده‌تر و محدودکننده‌تر از حقوق فرانسه است. این امر در مواردی موجب تضعیف اصل آزادی اراده طرفین و کاهش کارآمدی داوری می‌شود. در مقابل، نظام حقوقی فرانسه با تأکید بر آزادی قراردادی، نظارت دادگاه‌ها را عمدتاً به موارد استثنایی مانند نقض نظم عمومی و اصول بنیادین دادرسی محدود کرده است. نتایج پژوهش دلالت بر این مهم دارد که گستردگی نظارت قضایی بر آرای داوری در دعاوی سایبری در حقوق ایران، در مقایسه با حقوق فرانسه، محدودیت بیشتری بر اصل آزادی اراده طرفین تحمیل می‌کند و در برخی موارد از کارآمدی داوری می‌کاهد. در مقابل، نظام حقوقی فرانسه با محدودسازی مداخله دادگاه‌ها به موارد استثنایی، توانسته است توازن مناسب‌تری میان نظارت قضایی و استقلال داوری برقرار سازد. بر این اساس، کاهش مداخلات غیرضروری قضایی و بهره‌گیری از الگوی حقوق فرانسه می‌تواند به تقویت داوری سایبری در ایران منجر شود. پژوهش حاضر با تمرکز بر ماهیت خاص اختلافات سایبری، چارچوبی تحلیلی برای اصلاح رویه و تقنین در حقوق ایران ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها:

داوری سایبری، نظارت قضایی، آرای داوری، حاکمیت اراده، دعاوی سایبری.

نوع مقاله: پژوهشی

نحوه استناد:

عطاردیان، نوشین و صابریان، علیرضا و مرادی، عبدالرحیم. (۱۴۰۵). کنترل قضایی بر آرای داوری در دعاوی سایبری با تأکید بر اصل آزادی اراده طرفین؛ تحلیل تطبیقی نظام حقوقی ایران و فرانسه. حقوق سایبری، ۳(۱)، ۵۷-۷۸.

نشریه حقوق سایبری در توسعه و تکامل تحت مجوز کپی‌رایت کامنز انتساب - غیرتجاری ۴.۰ بین‌المللی منتشر شده است.

© نویسنده گان



ایمیل نویسنده مسئول: A.saberian@semnaniau.ac.ir

۱. مقدمه

گسترش روزافزون فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، فضای حقوقی نوینی را پیش روی نظام‌های حل و فصل اختلافات نهاده است؛ فضایی که در آن، تعاملات بشری بیش از هر زمان دیگری در بسترهای الکترونیکی شکل می‌گیرد و در نتیجه، اختلافات ناشی از این تعاملات نیز ماهیتی دیجیتال و پیچیده یافته‌اند (فیضی و کاظمی، ۱۴۰۳: ۳). این موضوع یعنی ایجاد مسائل و چالش‌های حقوقی فضای سایبری بعضاً در عرصه بین المللی نیز سرایت یافته به نحوی که امروزه بسیاری از دولت‌ها را هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم در معرض تهدیدهای جدی قرار داده است (شریفی و فرهنگدپور، ۱۴۰۳: ۳). از طرفی، تحول مستمر ابزارهای سایبری، ارتباطات فرامرزی و سرعت تبادل داده‌ها، سازوکارهای سنتی رسیدگی قضایی را با چالش‌هایی جدی مواجه کرده و این موضوع طبیعتاً کارآمدی روش‌های کلاسیک حل اختلاف را در بسیاری از موارد کاهش داده است (میرمرادی، ۱۴۰۳: ۱۱). از همین رو، داوری به عنوان روشی تخصصی، سریع و کم‌هزینه، توانسته است جایگاه ویژه‌ای در حل اختلافات مرتبط با فضای سایبری به دست آورد و بخش قابل توجهی از اختلافات در این حوزه به جای مراجعه به دادگاه‌های عمومی، به نهاد داوری ارجاع شود (غلامی‌نیا، ۱۴۰۳: ۲۲-۲۳).

در این میان، دعاوی سایبری گرچه می‌توانند در قالب داوری مورد رسیدگی قرار گیرند، اما ویژگی‌های خاص آن‌ها از جمله پیچیدگی‌های فنی، احتمال تهدید امنیت داده‌ها، ماهیت برخلاف تعاملات، و چالش‌های مربوط به هویت‌سنجی طرفین سبب شده است نقش دادگاه‌ها در نظارت بر داوری بیش از پیش اهمیت یابد (شریف‌زاده خرم، ۱۴۰۴: ۳۶-۳۷). به طور کلی، دعاوی سایبری به اختلافات حقوقی گفته می‌شود که منشأ آن‌ها فعالیت‌ها، تعاملات یا جرایم واقع شده در بستر فضای مجازی و سامانه‌های رایانه‌ای است (Urbas, 2023: 16-17). این دعاوی می‌تواند شامل نقض قراردادهای الکترونیکی، جرایم رایانه‌ای، سوءاستفاده از داده‌ها و تعرض به حقوق اشخاص در محیط دیجیتال باشد. نکته مهمی که در اینجا باید به آن اشاره نمود آن است که مقصود از داوری‌پذیری دعاوی سایبری، ارجاع جرایم رایانه‌ای به داوری به معنای خاص کیفری آن نیست؛ زیرا رسیدگی به جرم و اعمال ضمانت‌اجراهای کیفری اصولاً در صلاحیت انحصاری مراجع قضایی قرار دارد و قابلیت واگذاری به داوری را ندارد. آنچه در این حوزه می‌تواند موضوع داوری واقع شود، اختلافات و دعاوی با ماهیت حقوقی و خصوصی است که در بستر فضای سایبری یا در نتیجه رفتارهای واجد وصف مجرمانه شکل می‌گیرند. به بیان دیگر، هرچند برخی اعمال مانند نقض حریم خصوصی، سوءاستفاده از داده‌ها یا جرایم رایانه‌ای ممکن است واجد جنبه کیفری باشند، اما آثار مدنی و قراردادی ناشی از آن‌ها، از جمله مطالبه خسارت، مسئولیت مدنی یا نقض تعهدات ناشی از قراردادهای الکترونیکی، قابلیت ارجاع به داوری را دارند. از این رو، داوری‌پذیری دعاوی سایبری ناظر بر رسیدگی به ابعاد حقوقی و خصوصی اختلافات دیجیتال است و مستلزم تفکیک دقیق میان صلاحیت کیفری دادگاه‌ها و حوزه داوری در اختلافات سایبری می‌باشد. از طرفی، ویژگی اصلی دعاوی سایبری، فراملی بودن، پیچیدگی فنی و ارتباط نزدیک آن‌ها با نظم عمومی و امنیت اطلاعات است (Watters, 2023: 36-39). از یک سو، کارآمدی داوری مستلزم آزادی اراده طرفین در تعیین داور، قواعد رسیدگی و نحوه اجرای رأی است؛ از سوی دیگر، تضمین صحت، مشروعیت و عدالت روند داوری نیازمند نوعی نظارت قضایی است تا از تضییع حقوق طرفین، نقض قواعد بنیادین دادرسی و سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری شود (السان، ۱۴۰۲: ۱۳-۱۴). بنابراین، ایجاد توازن میان این دو ضرورت یعنی حفظ کارآمدی داوری از طریق حمایت از اراده طرفین و تأمین امنیت حقوقی از طریق نظارت قضایی یکی از مسائل اساسی در حوزه داوری سایبری به شمار می‌رود.

اگرچه داوری در فضای سایبری می‌تواند به‌عنوان راهکاری مناسب برای حل اختلافات نوپدید در بستر دیجیتال عمل کند، اما این سازوکار با پرسش‌های جدی مواجه است (ملکوتی، ۱۴۰۳: ۹). این در حالی است که پیچیدگی‌های فنی و ماهیت غیرمادی داده‌ها باعث می‌شود صدور و اجرای آرای داوری در این حوزه حساسیت بیشتری پیدا کند و طرفین انتظار داشته باشند که نهادهای قضایی در موارد لازم نقش حمایتی یا نظارتی خود را ایفا کنند (الهی‌منش و سدره‌منش، ۱۴۰۱: ۴۱). با این حال، افزایش نظارت قضایی هرچند با هدف تضمین عدالت می‌تواند استقلال داوری و آزادی اراده طرفین را محدود کرده و کارآمدی این نهاد را کاهش دهد. در نقطه مقابل، کاهش افراطی نظارت قضایی نیز این خطر را به همراه دارد که آرای داوری فاقد استانداردهای دادرسی عادلانه باقی بماند یا حقوق اساسی طرفین در فضای سایبری آسیب ببیند (عزیزی، ۱۳۹۸: ۳۱-۳۲). بنابراین، چالش اصلی در این حوزه آن است که چگونه می‌توان نقطه تعادل میان حداقل نظارت قضایی و حداکثر آزادی اراده طرفین را در بستر داوری سایبری تعیین کرد. این چالش، زمانی ابعاد پیچیده‌تری می‌یابد که به تفاوت نگرش نظام‌های حقوقی مختلف نسبت به این توازن توجه شود؛ مسئله‌ای که هسته اصلی پژوهش حاضر را شکل می‌دهد (جعفری و رسول‌پور نالکیاشری، ۱۴۰۳: ۵۵-۵۷).

بررسی رابطه میان نظارت قضایی و آزادی اراده در داوری، به‌ویژه در حوزه سایبری، از چند جهت اهمیت دارد. نخست آنکه فضای سایبری بستر بسیاری از تعاملات اداری، تجاری و اجتماعی شده و اختلافات ناشی از آن رو به افزایش است؛ بنابراین، کارآمدی داوری در این حوزه ضرورتی غیرقابل انکار دارد. دوم آنکه ویژگی‌های خاص جرایم و دعاوی سایبری از جمله فرامرزی بودن، نیاز به تخصص فنی، و سرعت آسیب‌رسانی نیازمند چارچوب‌های دقیق نظارتی است که نه تنها عدالت را تضمین کند بلکه مانع انحراف داوری از اصول بنیادین شود (اسلامی، ۱۴۰۲: ۶-۷). سوم اینکه الگوهای نظارتی در نظام‌های مختلف حقوقی یکسان نیست و مطالعه تطبیقی آن‌ها می‌تواند به استخراج الگوهای کارآمد و قابل اقتباس کمک کند. چهارم آنکه، خلأهای تقنینی در حوزه سایبری در بسیاری از کشورها، ضرورت پژوهش‌های تخصصی را برای جهت‌دهی به اصلاحات حقوقی افزایش می‌دهد. از همین رو این تحقیق می‌کوشد از طریق تحلیل تطبیقی، راهکارهای بهینه برای دستیابی به تعادل مطلوب میان کنترل قضایی و آزادی اراده در داوری سایبری را شناسایی و پیشنهاد کند. با وجود گسترش داوری در حل و فصل دعاوی سایبری، مطالعات موجود عمدتاً به توصیف کلی این سازوکار پرداخته و کمتر به تبیین دقیق حدود و آثار نظارت قضایی بر آرای داوری در این حوزه توجه کرده‌اند. به‌ویژه، فقدان پژوهش‌های تطبیقی منسجم درباره چگونگی ایجاد تعادل میان اصل آزادی اراده طرفین و الزامات نظارت قضایی در نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله حقوق ایران و فرانسه، خلأیی است که پژوهش حاضر در پی پر کردن آن است.

با این مقدمات، تلاش نویسندگان در پژوهش حاضر بحث و بررسی پیرامون کنترل قضایی بر آرای داوری در دعاوی سایبری با تأکید بر اصل آزادی اراده طرفین در حقوق ایران و فرانسه است. در این راستا، پرسش اصلی پژوهش عبارت است از: «حدود و آثار نظارت قضایی بر آرای داوری در دعاوی سایبری چیست و این نظارت تا چه میزان با اصل آزادی اراده طرفین سازگار است؟» روش پژوهش توصیفی تحلیلی و مبتنی بر رویکرد تطبیقی است. داده‌ها عمدتاً از منابع کتابخانه‌ای، قوانین ملی، اسناد بین‌المللی، آرای دادگاه‌ها و آثار علمی معتبر گردآوری شده و سپس با تحلیل محتوایی و مقایسه تطبیقی بررسی شده‌اند.

۲. دعاوی سایبری^۱

دعاوی سایبری به اختلافات حقوقی اطلاق می‌شود که منشأ، بستر یا ابزار تحقق آن‌ها فضای الکترونیکی، سامانه‌های رایانه‌ای و شبکه‌های ارتباطی، به‌ویژه اینترنت، است. این دسته از دعاوی طیف گسترده‌ای از روابط و تعارضات نوظهور را دربر می‌گیرد که در نتیجه گسترش فناوری اطلاعات و دیجیتالی‌شدن تعاملات انسانی پدید آمده‌اند (مالمیر و امیریان فارسانی، ۱۳۹۵: ۲۸-۲۹). دعاوی سایبری می‌توانند ناظر بر نقض تعهدات قراردادی در محیط دیجیتال، سوءاستفاده از داده‌ها، تعرض به حریم خصوصی، یا ارتکاب جرایم سازمان‌یافته سایبری باشند (Jain, 2025: 14-16). از جمله مهم‌ترین مصادیق دعاوی سایبری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- ۱- دعاوی مربوط به امنیت داده‌ها و نقض حریم خصوصی، از جمله افشای غیرمجاز اطلاعات شخصی، نشت داده‌ها و پردازش غیرقانونی داده‌های کاربران (خادم‌پور مشهدی و نیک‌فرجام شیرازی، ۱۴۰۳: ۳۰-۲۷)؛
- ۲- اختلافات ناشی از حملات سایبری مانند هک، بدافزار، باج‌افزار و ایجاد اختلال در سامانه‌های اطلاعاتی اشخاص حقیقی و حقوقی (صالح احمدی، ۱۴۰۳: ۴۰-۴۳)؛
- ۳- دعاوی مرتبط با سرقت هویت دیجیتال و جعل الکترونیکی، شامل سوءاستفاده از حساب‌های کاربری، امضای الکترونیکی و اطلاعات هویتی (رضایی و امینی، ۱۴۰۳: ۵-۸)؛
- ۴- نقض حقوق مالکیت فکری در فضای مجازی، از جمله تکثیر غیرمجاز آثار، نقض علائم تجاری و سوءاستفاده از نرم‌افزارها و محتوای دیجیتال (یوسفی و افشاری، ۱۴۰۳: ۹۱-۹۴)؛
- ۵- اختلافات ناشی از قراردادهای الکترونیکی و پلتفرمی مانند قراردادهای تجارت الکترونیک، خدمات ابری و پلتفرم‌های آنلاین (فصیح رامندی، ۱۴۰۳: ۱۱-۱۴).

نکته مهمی که باید به آن توجه داشت آن است که اساساً ویژگی‌های خاص دعاوی سایبری، از جمله سرعت بالای وقوع، ماهیت فرامرزی، پیچیدگی‌های فنی و دشواری شناسایی مرتکبان، موجب شده است رسیدگی به آن‌ها در مراجع قضایی سنتی با چالش‌های جدی مواجه باشد (Pulatov, 2025: 37-39). در نتیجه، داوری به‌ویژه داوری آنلاین به‌عنوان سازوکاری انعطاف‌پذیر، تخصص‌محور و کارآمد برای حل این اختلافات مورد توجه قرار گرفته است (نادری، ۱۴۰۲: ۲۹۵). با این حال، به دلیل حساسیت‌های امنیتی، فنی و ارتباط دعاوی سایبری با نظم عمومی، ضرورت اعمال نظارت قضایی مؤثر بر فرایند داوری و آرای صادره همچنان امری اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود (میرفتاح و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲۶-۲۲۷).

۳. کنترل قضایی بر آرای داوری^۲

کنترل قضایی بر آرای داوری مجموعه‌ای از مداخلات محدود، هدفمند و مبتنی بر اصول بنیادین حقوقی است که دادگاه‌ها در مراحل مختلف فرایند داوری اعمال می‌کنند تا از رعایت حداقل‌های دادرسی عادلانه، احترام به نظم عمومی و جلوگیری از صدور آرای که با قواعد آمره یا حقوق اساسی اشخاص تعارض دارند، اطمینان حاصل شود. این کنترل نه با هدف جایگزینی داوری با رسیدگی قضایی، بلکه به‌منظور تضمین مشروعیت و قابلیت اتکای داوری به‌عنوان یک نهاد حل و فصل اختلافات خصوصی اعمال می‌شود (Baig & Hashmi, 2025: 2144-2147).

¹ Cyber Disputes

² Judicial Review of Arbitral Awards

در مرحله نخست، یعنی تشکیل داور، کنترل قضایی عمدتاً بر اعتبار توافق داور، قابلیت ارجاع اختلاف به داور و صلاحیت داور متمرکز است. در این مرحله، دادگاه‌ها بررسی می‌کنند که آیا شرط داور با رضایت معتبر طرفین - به‌ویژه در قراردادهای الکترونیکی منعقد شده است، آیا موضوع اختلاف از جمله دعاوی قابل داور محسوب می‌شود یا به دلیل ارتباط با نظم عمومی، امنیت سایبری خارج از صلاحیت داور قرار دارد، و نیز آیا داور منتخب از بی‌طرفی و تخصص لازم برخوردار است. این نظارت اولیه، نقش پیشگیرانه دارد و مانع از ورود اختلافاتی می‌شود که اساساً ظرفیت حل و فصل از طریق داور را ندارند. در مرحله دوم، یعنی رسیدگی داور، کنترل قضایی به‌صورت غیرمستقیم و حمایتی اعمال می‌شود و تمرکز آن بر تضمین رعایت اصول اساسی دادرسی است. در این مرحله، دادگاه‌ها بر نحوه رعایت اصل تناظر، حق دفاع مؤثر، بی‌طرفی داور و برابری طرفین نظارت دارند، بدون آنکه وارد ماهیت اختلاف شوند. در دعاوی سایبری، این نظارت جنبه‌های خاص تری می‌یابد؛ از جمله اطمینان از صحت هویت الکترونیکی طرفین، امنیت بسترهای تبادل داده، محرمانگی اطلاعات دیجیتال و مشروعیت استفاده از ابزارهای رسیدگی آنلاین. بدین ترتیب، دادگاه‌ها تلاش می‌کنند از یک سو مانع نقض عدالت رویه‌ای شوند و از سوی دیگر، استقلال داور و انعطاف‌پذیری آن را حفظ کنند. در نهایت، در مرحله سوم، یعنی پس از صدور رأی داور، کنترل قضایی در قالب بررسی امکان ابطال، شناسایی یا اجرای رأی اعمال می‌شود. در این مرحله، دادگاه‌ها رأی داور را صرفاً از حیث انطباق با اصول بنیادین مورد ارزیابی قرار می‌دهند؛ به این معنا که بررسی می‌کنند آیا داور از حدود صلاحیت خود تجاوز کرده است، آیا اصول اساسی دادرسی رعایت شده، و آیا رأی صادره به‌طور آشکار با نظم عمومی یا قواعد آمره - از جمله مقررات مربوط به امنیت اطلاعات، حمایت از داده‌ها یا حقوق بنیادین اشخاص در تعارض است یا خیر. در نظام‌هایی که رویکرد حداقلی به نظارت دارند، مداخله قضایی تنها در صورت احراز نقض فاحش این اصول صورت می‌گیرد، در حالی که در نظام‌های با رویکرد موسع، دامنه این کنترل گسترده‌تر بوده و حتی ممکن است به بازنگری غیرمستقیم در محتوای رأی منجر شود (Rivoire, 2024: 217-221).

بنابراین، کنترل قضایی بر آرای داور سازوکاری تکمیلی است که نقش آن در دعاوی سایبری به دلیل پیچیدگی فنی، حساسیت امنیتی و فرامرزی بودن این دعاوی، اهمیتی مضاعف می‌یابد. چالش اصلی در این حوزه، نه اصل وجود نظارت قضایی، بلکه تعیین حدود آن است؛ به گونه‌ای که هم از حقوق بنیادین و منافع عمومی صیانت شود و هم استقلال داور و آزادی اراده طرفین به‌عنوان بنیان‌های اساسی داور، دچار تزلزل نگردد (Al Sarhi & Al Alaween, 2024: 6-10). چنین تعادلی تنها با تعریف دقیق معیارهای نظارت، پذیرش ویژگی‌های داور الکترونیکی و هماهنگی رویه قضایی با تحولات فناوری قابل تحقق است.

۴. اصل آزادی اراده طرفین^۱

اصل آزادی اراده یکی از ستون‌های بنیادین داور است. این اصل به طرفین اجازه می‌دهد که داور، قانون قابل اعمال، قواعد شکلی، زبان، زمان و مکان داور را خود انتخاب کنند. مبنای این اصل، احترام به حاکمیت اراده خصوصی، کاهش مداخلات دولتی در روابط قراردادی و تلاش برای کارآمدسازی روند حل اختلافات است (Kostova, 2023: 25-28). با وجود جایگاه مرکزی این اصل در داور، اعمال مطلق آن در دعاوی سایبری ممکن است به مشکلاتی همچون سوءاستفاده، عدم توازن قدرت، عدم رعایت استانداردهای امنیتی یا تضییع حقوق یکی از طرفین بینجامد (Stone, 2024:).

¹ Party Autonomy

100-103). بنابرین، آزادی اراده باید در چارچوب نظارت قضایی اعمال شود و نظارت نیز نباید به گونه‌ای باشد که این اصل را بی‌اثر کند.

۵. کنترل قضایی بر آرای داوری در دعاوی سایبری با تأکید بر اصل آزادی اراده طرفین در نظام حقوقی ایران

۵-۱. ساختار حقوقی داوری در ایران

نظام داوری در ایران بر پایه سه منبع اصلی شکل گرفته است. منبع نخست، قانون آیین دادرسی مدنی (برای داوری داخلی)، منبع دوم، قانون داوری تجاری بین‌المللی ۱۳۷۶ (برای داوری بین‌المللی) بوده، و نهایتاً منبع سوم مقررات ویژه در حوزه تجارت الکترونیکی، فناوری اطلاعات و جرایم رایانه‌ای می‌باشد. این ساختار قانونی، امکان ارجاع اختلافات به داوری را در سطح ملی و بین‌المللی فراهم کرده است، اما واقعیت این است که این قانون در عمل با دوگانگی آشکاری مواجه است (مطیع و همکاران، ۱۴۰۴: ۱۰۹-۱۱۲). قانون آیین دادرسی مدنی دارای رویکرد سنتی و قاضی‌محور است و نظارت دادگاه‌ها در آن گسترده تلقی می‌شود، در حالی که قانون داوری تجاری بین‌المللی بر مبنای قانون نمونه آنسیترال تدوین شده و از رویکردی مدرن و مبتنی بر استقلال داوری برخوردار است (نجفی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۰۲-۲۰۴). این دوگانگی باعث شده است که در عمل، برداشت‌های متفاوت از صلاحیت داور، حدود نظارت قضایی و اعتبار آرای داوری وجود داشته باشد. از منظر تحلیل حقوقی، این ساختار دوگانه هم مزایا و هم معایبی دارد. از یک سو، مزیت آن انعطاف‌پذیری در انتخاب ابزار داوری مناسب برای اختلافات داخلی و بین‌المللی است، اما از سوی دیگر، نقطه ضعف آن، ابهام در معیارهای نظارت قضایی و امکان تضاد رویه‌های قضایی می‌باشد (عبدلی و همکاران، ۱۴۰۳: ۹۲-۹۵). برای مثال، یک اختلاف تجاری بین دو شرکت داخلی ممکن است تحت قانون آیین دادرسی مدنی داوری شود و در همان حال، پرونده مشابه بین یک شرکت ایرانی و یک شرکت خارجی تحت قانون داوری تجاری بین‌المللی قرار گیرد که قوانین متفاوتی برای کنترل و ابطال آرای داوری اعمال می‌شود. این عدم یکپارچگی، به ویژه در دعاوی سایبری که جنبه‌های فرامرزی و تخصصی دارند، چالش‌زا است (علی‌دادی ده کهنه و جوهری، ۱۴۰۳: ۴۱-۴۴).

از منظر حقوقی، این دوگانگی ریشه در تفاوت مبانی قانونی و فلسفه حاکم بر هر یک از قوانین دارد؛ قانون آیین دادرسی مدنی با رویکرد سنتی و قاضی‌محور، نظارت گسترده دادگاه‌ها را پیش‌بینی می‌کند، در حالی که قانون داوری تجاری بین‌المللی با الگوبرداری از قانون نمونه آنسیترال، استقلال داوری و حداقل دخالت قضایی را اصل قرار داده است. این تفاوت‌ها موجب می‌شود که در عمل، داوران و دادگاه‌ها برداشت‌های متفاوتی از صلاحیت داور، حدود نظارت و معیارهای ابطال آرای داوری داشته باشند، و به نوعی عدم یکپارچگی رویه قضایی ایجاد شود (علی‌دادی ده کهنه و جوهری، ۱۴۰۳: ۷۳-۷۶). با این حال، این ساختار دوگانه مزایایی نیز دارد؛ مهم‌ترین آن انعطاف‌پذیری در انتخاب ابزار داوری متناسب با نوع اختلاف است؛ اختلافات داخلی می‌توانند تحت رویکرد سنتی مدیریت شوند و اختلافات بین‌المللی از مزایای استقلال داوری بهره‌مند شوند. اما نقطه ضعف اصلی، ابهام در معیارهای نظارت قضایی و احتمال تضاد رویه‌های قضایی است، به ویژه در زمینه‌های تخصصی و فرامرزی مانند دعاوی سایبری که ماهیت آن‌ها نیازمند هماهنگی بین قوانین داخلی و بین‌المللی است (بهرامی، ۱۴۰۳: ۶۳-۵۹). در نتیجه، نظام داوری ایران اگرچه ظرفیت تطبیق با شرایط مختلف را دارد، اما نیازمند هماهنگی قانونی و رویه‌ای بیشتر برای کاهش اختلاف‌برداشت‌ها و ارتقای امنیت حقوقی طرفین است.

۲-۵. گستره نظارت قضایی در مرحله تشکیل داوری

مرحله تشکیل داوری در ایران به دلیل ترکیب عوامل قانونی، قضایی و ماهیت موضوع اختلاف، یکی از حساس‌ترین مراحل در فرآیند داوری محسوب می‌شود. نقش دادگاه‌ها در این مرحله بسیار کلیدی است؛ آن‌ها نه تنها اعتبار شرط داوری را بررسی می‌کنند، بلکه صلاحیت داور و قابلیت ارجاع اختلاف به داوری را نیز تعیین می‌نمایند. این نظارت قضایی گسترده، به‌ویژه در دعاوی سایبری که اغلب ماهیتی فرامرزی، دیجیتال و تخصصی دارند، حساسیت بیشتری پیدا می‌کند. همچنین، در عمل، برخی قضات با استناد به مفهوم نظم عمومی گسترده، برخی از دعاوی سایبری را اساساً غیرقابل ارجاع به داوری تلقی می‌کنند (ساردوئی نسب، محمد و مولوی، ۱۴۰۳: ۳۳-۳۴). این موضوع نشان‌دهنده تضاد بین آزادی اراده طرفین و کنترل قضایی است؛ آزادی طرفین برای انتخاب داوری به عنوان مکانیسم حل اختلاف ممکن است تحت تأثیر برداشت‌های موسع از نظم عمومی محدود شود. علاوه بر این، اختلاف بر سر ماهیت حقوقی موضوع، باعث می‌شود که در موارد متعدد دادگاه‌ها از پذیرش صلاحیت داور خودداری کنند، که این موضوع می‌تواند منجر به تاخیر در حل و فصل اختلاف و افزایش هزینه‌ها شود (حسینی، ۱۳۹۸: ۱۰۶-۱۰۹).

بنابراین بایستی اذعان داشت که مرحله تشکیل داوری نقطه‌ای حساس برای تضمین تعادل بین آزادی اراده طرفین و حفاظت از نظم عمومی است. در دعاوی سایبری، اگر دادگاه‌ها برداشت محدودی از نظم عمومی داشته باشند و تنها مواردی را که به امنیت ملی و یا حقوق بشر موضوع مرتبط است، غیرقابل ارجاع بدانند، آزادی طرفین برای ارجاع اختلاف به داوری حفظ خواهد شد (فضلی و بزرگمهر، ۱۴۰۳: ۹۴-۹۵). برای مثال، در قراردادهای الکترونیکی بین شرکت‌های فناوری اطلاعات، اگر شرط داوری برای رسیدگی به اختلافات فنی مشخص شده باشد، احترام به این انتخاب، ضمن کاهش دخالت غیرضروری دادگاه، موجب تسریع و تخصصی شدن حل اختلاف می‌شود. از طرفی، کشورهای موفق در داوری سایبری، مانند انگلستان و سنگاپور، تعریف دقیق و محدود از «نظم عمومی سایبری» ارائه کرده‌اند و تنها در مواردی که تهدید واقعی برای امنیت یا حقوق عمومی وجود دارد، دخالت قضایی صورت می‌گیرد (پرتو و کریمی، ۱۴۰۲: ۶۶-۶۹). اقتباس این رویکرد در نظام حقوقی ایران می‌تواند به تضمین استقلال داوری، کاهش اختلافات قضایی و افزایش امنیت حقوقی طرفین منجر شود. به عبارت دیگر، تدوین چارچوب روشن برای نظارت دادگاه بر داوری سایبری، به حفظ تعادل بین استقلال داوری و حفظ منافع عمومی کمک خواهد کرد.

۳-۵. نظارت قضایی در مرحله رسیدگی داوری

در ایران، اگرچه قانون به صورت صریح نظارت مستقیم بر مرحله رسیدگی داوری را پیش‌بینی نکرده است، اما در عمل دادگاه‌ها از طریق چند ابزار و مکانیسم غیرمستقیم کنترل‌هایی را اعمال می‌کنند که هدف آن حفظ تعادل بین استقلال داوری و رعایت نظم عمومی است (امیریان، ۱۴۰۲: ۳۷). این ابزارها به شرح زیر قابل توضیح هستند.

نخست؛ نظارت بر انتخاب داور: دادگاه‌ها صلاحیت داور را بررسی می‌کنند و در صورتی که داور فاقد تخصص لازم یا تعارض منافع باشد، اجازه ادامه داوری داده نمی‌شود. این نظارت تضمین می‌کند که داوری از حداقل استانداردهای حرفه‌ای و علمی برخوردار باشد و تصمیم داور اعتبار حقوقی لازم را داشته باشد (پیشنماز اهری و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۲۴۹-۲۲۵۱). همچنین، این مرحله از سوءاستفاده احتمالی یکی از طرفین جلوگیری می‌کند و باعث می‌شود داوران به عنوان افرادی شایسته و بی‌طرف انتخاب شوند. در دعاوی تخصصی مانند دعاوی سایبری، اهمیت این مرحله دوچندان است زیرا بدون تخصص کافی، تصمیمات داور ممکن است فاقد وجاهت فنی و حقوقی باشد (حسینی، ۱۳۹۸: ۱۲۶-۱۲۲). دوم؛

تحدید داوری در پرتو قواعد آمره: دادگاه می‌تواند داوری را محدود کند تا از نقض قوانین آمره جلوگیری شود؛ یعنی داور نمی‌تواند برخلاف مقرراتی که برای نظم عمومی یا حقوق طرفین اساسی هستند، رأی صادر کند. این نظارت به حفظ توازن بین آزادی اراده طرفین و رعایت قوانین ضروری کمک می‌کند و تضمین می‌کند که آرای داوری با ارزش‌های قانونی و اخلاقی جامعه مغایرت نداشته باشند (ابریشمی‌راد، ۱۳۹۹: ۱۷-۲۰). به عنوان مثال، در قراردادهای تجاری یا سایبری، داور نمی‌تواند توافق طرفین را برخلاف قوانین حمایت از مصرف‌کننده یا مقررات امنیت اطلاعات اجرا کند. سوم؛ ورود در صورت عدم توافق طرفین: در مواردی که طرفین درباره نحوه رسیدگی اختلاف یا انتخاب روش داوری به توافق نرسند، دادگاه وارد عمل می‌شود و چارچوب لازم برای ادامه داوری را مشخص می‌کند. این مکانیزم از توقف روند داوری جلوگیری می‌کند و تضمین می‌کند که اختلافات بدون وقفه و به شیوه‌ای منصفانه حل و فصل شوند (میرزاده کوهشاهی، ۱۴۰۱: ۳۶۸-۳۷۰). همچنین، این ورود دادگاه باعث می‌شود که داوری به یک فرآیند رسمی و منظم تبدیل شود و از آشفتگی حقوقی یا تصمیمات متناقض بین طرفین جلوگیری شود، به ویژه در دعاوی چندجانبه یا بین‌المللی که ممکن است اختلافات پیچیده‌تر باشند.

بنابراین، در دعاوی سایبری، استانداردهای امنیت داده‌ها، نحوه ارائه مستندات دیجیتال، و تخصص داور بر این نظارت اثر مستقیم دارد. به عنوان نمونه، عدم رعایت پروتکل‌های رمزنگاری یا ارسال اسناد از طریق پلتفرم‌های ناامن ممکن است توسط دادگاه نقض اصول اساسی دادرسی تلقی شود (پرتو و کریمی، ۱۴۰۲: ۱۲۲-۱۲۵). بنابراین، این مرحله نشان می‌دهد که نظارت قضایی غیرمستقیم می‌تواند هم مفید و هم مضر باشد. مفید است چون امنیت و عدالت فرآیند داوری تضمین می‌شود، اما مضر است چون ممکن است استقلال داور و انعطاف‌پذیری فرآیند داوری را محدود کند. طراحی معیارهای شفاف و استاندارد برای داوری سایبری می‌تواند تعادل بین این دو را حفظ کند.

۴-۵. نظارت قضایی بر رأی داور در ایران

در ایران، همان‌طور که اشاره شد، نظارت بر رأی داور در قانون آیین دادرسی مدنی نسبت به قانون داوری تجاری بین‌المللی گسترده‌تر است و این امر در دعاوی سایبری چالش‌های ویژه‌ای ایجاد می‌کند (حسینی کرانی، ۱۴۰۴: ۶). این چالش‌ها نشان می‌دهد که با وجود تلاش برای حفظ نظم عمومی و رعایت قوانین، آزادی اراده طرفین و استقلال داور تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

الف. نقض قواعد آمره: دادگاه‌ها قواعد آمره در فضای سایبری، از جمله الزامات امنیت اطلاعات، حفاظت از داده‌ها و مقررات مرتبط با حریم خصوصی را بسیار گسترده تفسیر می‌کنند. این رویکرد باعث می‌شود احتمال ابطال رأی داور افزایش یابد و طرفین در انتخاب داوری مستقل با محدودیت مواجه شوند. علاوه بر این، تفسیر گسترده قواعد آمره می‌تواند موجب عدم پیش‌بینی‌پذیری در نتیجه داوری شود و به کاهش اعتماد به سیستم داوری در دعاوی فناوری اطلاعات و تجارت الکترونیک منجر گردد (عبادی‌نژاد، ۱۴۰۴: ۶۱-۶۳).

ب. عدم رعایت اصول اساسی دادرسی: دادگاه‌ها گاهی ارسال مستندات از طریق ایمیل یا برگزاری جلسات آنلاین را به عنوان نقض عدالت تلقی می‌کنند. این محدودیت ناشی از عدم آشنایی کامل قضات با فرآیندهای داوری الکترونیکی است و نشان می‌دهد که دامنه نظارت قضایی بدون تطبیق با فناوری‌های نوین، می‌تواند کارایی داوری سایبری را کاهش دهد. چنین نگرشی می‌تواند باعث شود طرفین از روش‌های سریع و کم‌هزینه حل اختلاف در محیط دیجیتال محروم شوند و بار هزینه و زمان دادرسی افزایش یابد (جبان و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۰۳-۲۰۴).

ج. عدم صلاحیت داور: تخصص داور در دعاوی سایبری نقش حیاتی دارد. دادگاه‌ها رأی داوری را در صورتی که داور فاقد تخصص لازم تشخیص داده شود، قابل ابطال می‌دانند. این موضوع نشان می‌دهد که تضمین تخصص داوران سایبری یکی از الزامات حیاتی برای حفظ اعتبار داوری است. در نبود معیارهای مشخص حرفه‌ای، حتی داوران مجرب ممکن است با ریسک ابطال آرای خود مواجه شوند، که این امر بر استقلال داوری سایبری اثر منفی می‌گذارد (سجودی، ۱۴۰۳: ۳۸۹-۳۸۷).

د. امکان رسیدگی ماهوی دادگاه: در برخی موارد، دادگاه‌ها وارد ماهیت رأی داور شده و با استناد به مفاهیمی مانند "نقض آشکار عدالت" یا "خلاف شرع"، رأی داور را بررسی می‌کنند. این مداخله می‌تواند استقلال داور و تسریع حل اختلاف را کاهش دهد و منجر به افزایش پیچیدگی و طولانی شدن پرونده‌های سایبری گردد. چنین رویکردی نشان می‌دهد که بدون تعریف دقیق معیارهای مداخله قضایی، امکان تضاد بین هدف داوری (حل سریع و تخصصی اختلافات) و نظارت قضایی افزایش می‌یابد (نصرتی، ۱۴۰۲: ۸۵-۸۸). بنابراین بایستی توجه نمود که دامنه وسیع نظارت قضایی در ایران می‌تواند آزادی اراده طرفین و استقلال داوران سایبری را محدود کند.

به عنوان نمونه، در رأی صادر شده در تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۶ میان شرکت خصوصی فعال در حوزه طراحی نرم‌افزارهای تحت وب و سامانه‌های الکترونیکی (شرکت ت-الف-د) و شرکت تجارت الکترونیکی و ارائه‌دهنده خدمات برخط (شرکت م-ن-الف-ب) بر سر موضوع ابطال رأی داوری صادره در اختلاف ناشی از قرارداد الکترونیکی طراحی و پشتیبانی پلتفرم آنلاین فروش، ابتدا داوری به صورت غیر حضوری و از طریق تبادل ایمیل و برگزاری جلسه آنلاین انجام شد. داور منتخب، بدون تعیین کارشناس رسمی فناوری اطلاعات، رأی به محکومیت شرکت «م-ن-الف-ب» به پرداخت خسارت صادر کرد. شرکت مذکور با استناد به بندهای ۳ و ۵ ماده ۴۸۹ ق.آ.د.م تقاضای ابطال رأی نمود. در ادامه دادگاه تجدیدنظر بر اساس این اصل که رسیدگی داوری بدون رعایت تشریفات حداقلی دادرسی، به ویژه عدم احراز هویت الکترونیکی طرفین، موجب اخلاف در حق دفاع است و نیز آنکه موضوع اختلاف به طور مستقیم با امنیت داده‌ها و زیرساخت سایبری مرتبط بوده و داور فاقد تخصص احراز شده فنی بوده است، رأی داور از حیث شیوه رسیدگی و استناد به ادله دیجیتال، مخالف نظم عمومی و قواعد آمره تشخیص داده شد و بر این اساس نتیجه رأی، تأیید حکم بدوی و ابطال رأی داوری بود. این رأی به روشنی نشان می‌دهد که دادگاه‌های ایران در دعاوی سایبری، با تفسیر موسع از نظم عمومی و اصول دادرسی، نظارت گسترده‌ای بر رأی داوری اعمال می‌کنند. هرچند هدف نهایی، حمایت از حقوق طرفین است، اما نتیجه عملی آن کاهش استقلال داوری و محدود شدن آزادی اراده طرفین است. بنابراین، برای بهبود نظام داوری، لازم است محدوده مداخلات قضایی به طور دقیق تعریف شود، معیارهای تخصص داوران سایبری مشخص و استانداردسازی گردد و آموزش قضات برای آشنایی با داوری الکترونیکی و فضای دیجیتال تقویت شود (اسلامی، ۱۴۰۲: ۸۹-۹۲). این اقدامات موجب افزایش امنیت حقوقی، کاهش احتمال ابطال غیر ضروری آرای داوری و ارتقای اعتماد طرفین به داوری در دعاوی سایبری خواهد شد.

۵-۵. تأثیر جرایم سایبری بر دامنه نظارت قضایی

ماهیت مختلط دعاوی سایبری موجب حساسیت بالای دادگاه‌ها در ایران می‌شود. جرایمی مانند هک، دسترسی غیر مجاز، دستکاری داده‌ها و کلاهبرداری اینترنتی عمدتاً دارای ماهیت کیفری هستند و همین امر باعث می‌شود برخی قضات تمایل داشته باشند رسیدگی به این اختلافات را صرفاً در صلاحیت دادگاه ببینند و داوری را محدود یا غیر قابل اعمال بدانند.

چنين رويكردي موجب گسترش دامنه نظارت قضايي و کاهش آزادي اراده طرفين مي‌شود، زيرا طرفين ممكن است انتخاب داوري براي حل اختلافات خود را محدود يا عملاً بلااثر ببينند (فتيلي و كمائي، ۱۴۰۳: ۷۱-۷۲). اين واقعيت نشان مي‌دهد كه علاوه بر قوانين موجود، رويه قضايي و برداشت قضات از ماهيت موضوع نقش تعيين‌كننده‌اي در امكان يا محدوديت داوري سايري دارد. در مواردی كه دادگاه‌ها شك دارند كه موضوع دارای بار كيفري است، ورود آنها به مرحله داوري، استقلال داور و سرعت حل اختلاف را کاهش مي‌دهد و باعث طولاني شدن فرآيند حل و فصل اختلافات مي‌شود. براي کاهش اين چالش، ايجاد چارچوب قانوني روشن براي داوري سايري ضروري است. اين چارچوب مي‌تواند شامل معيارهاي دقيق براي تفكيك دعاوي مدني از كيفري، استانداردهاي حرفه‌اي داوران سايري و محدوده مشخص نظارت قضايي باشد. با چنين سازوكاري، امكان جلوگيري از مداخلات غيرضروري قضايي فراهم مي‌شود و كارآمدی، سرعت و اعتبار داوري افزايش مي‌يابد (كولاني و همكاران، ۱۴۰۴: ۶۵۷-۶۵۸). بنابر اين مي‌توان گفت كه در دعاوي سايري، موفقيت داوري نه تنها وابسته به قوانين صريح است، بلكه نيازمند هماهنگي رويه قضايي و آموزش قضات براي فهم ماهيت دييجيتال و تخصصي اختلافات است تا هم استقلال داور حفظ شود و هم طرفين بتوانند از ابزار داوري به شكل مؤثر استفاده كنند. به طور كلي و با تحليل پنج بخش فوق مي‌توان نتيجه گرفت كه اولاً دوگانگي قانوني باعث ابهام در دامنه نظارت شده است، ثانياً مرحله تشكيل داوري حساسيت بالايي دارد و آزادي اراده طرفين تحت تأثير برداشت‌هاي گسترده از نظم عمومي است. ثالثاً نظارت قضايي در مرحله رسيدگي و بر رأي داور گاهي مستقل از اصول داوري عمل مي‌كند به نحوي كه جرايم سايري دامنه نظارت قضايي را افزايش داده و استقلال داوري را محدود نموده و نهايتاً آنكه اصلاح قوانين و تعريف معيارهاي شفاف براي داوري سايري مي‌تواند تعادل ميان آزادي اراده و كنترل قضايي را برقرار كند.

۶. كنترل قضايي بر آراي داوري در دعاوي سايري با تأكيد بر اصل آزادي اراده طرفين در نظام حقوقی فرانسه

۱-۶. ساختار حقوقی داوري در فرانسه

فرانسه از ديرزمان به‌عنوان يكي از پيشروترين نظام‌هاي داوري جهان شناخته شده است. اصلاحات گسترده قانون داوري فرانسه در سال ۲۰۱۱، اين کشور را به يكي از مدرن‌ترين نظام‌هاي داوري در سطح بين‌المللي تبديل كرد. قانون جديد داوري، با الهام از استانداردهاي بين‌المللي و با هدف افزايش اعتماد طرفين و كارآمدی داوري، اصول كليدي همچون استقلال داور، احترام به آزادي اراده طرفين، تخصصي‌سازي داوري و کاهش دخالت دادگاه‌ها را به رسميت شناخته است (Tschanz & Spoorenberg, 2024: 1225-1227). در ساختار حقوقی فرانسه، دو ويژگي برجسته وجود دارد. نخست، تخصيص نقش قضايي محدود و هدفمند و دوم، تأكيد بر آزادي اراده طرفين در انتخاب داور، تعيين قواعد رسيدگي، زبان و محل داوري. برخلاف نظام ايران كه دامنه نظارت قضايي وسيع و گاه مداخلات غيرضروري در مراحل مختلف داوري رخ مي‌دهد، در فرانسه رويكردها قاعدي و محافظه‌كارانه اتخاذ شده است. اين نظام قانوني به‌ويژه در زمينه دعاوي تخصصي و پيچيده، مانند دعاوي سايري، امكان ارجاع اختلاف به داوري تخصصي را فراهم کرده و با تعيين معيارهاي شفاف، مانع دخالت غيرضروري دادگاه‌ها مي‌شود (Jarrosso, 2023: 53-56). ساختار حقوقی فرانسه نمونه‌اي موفق از تعادل ميان استقلال داوري و كنترل قضايي هدفمند است. انعطاف در انتخاب داور و قواعد رسيدگي موجب شده كه داوري، به‌ويژه در حوزه‌هاي تخصصي مثل فناوري اطلاعات و جرايم سايري، كارآمد و مورد اعتماد

طرفین باشد. این امر با حمایت از اصل آزادی اراده، امکان ایجاد بازار داوری تخصصی و جذب سرمایه گذاری بین المللی را نیز فراهم می کند (Boissésou et al., 2023: 97-98). به همین سبب، یکی از دلایل موفقیت فرانسه، تمرکز بر آموزش داوران و ایجاد معیارهای حرفه ای دقیق است که در بسیاری از کشورها کمتر دیده می شود.

۲-۶. کنترل محدود و هدفمند دادگاه ها

در فرانسه، دادگاه ها تنها در موارد خاص و محدود مداخله می کنند. این مداخلات در شرایطی رخ می دهد که اصول بنیادین دادرسی نقض شده یا رأی داور با نظم عمومی بین المللی در تضاد باشد (Bernard, 2024: 422-424). همچنین، فلسفه نظارت و کنترل در نظام حقوقی کشور فرانسه محدود به مواردی به شرح ذیل است:

نخست؛ داوری جایگزین قضاوت نیست، بلکه تکمیل کننده آن است: دادگاه ها تنها نقش حمایتی دارند و نمی کوشند داوری را جایگزین رسیدگی قضایی کنند. این امر موجب کاهش برخوردهای قضایی و افزایش اعتماد طرفین به داوری می شود؛

دوم؛ دادگاه باید حداقلی ترین مداخله را داشته باشد: مداخله بیش از حد ممکن است استقلال داور و آزادی اراده طرفین را تضعیف کند. لذا در فرانسه تلاش می شود دخالت تنها برای رفع نقض آشکار یا تهدید منافع عمومی باشد؛

سوم؛ تعریف محدود از نظم عمومی بین المللی: نظم عمومی در فرانسه برای داوری بین المللی بسیار محدودتر از نظم عمومی داخلی است و تنها شامل مواردی می شود که با حقوق بنیادین بشر یا قواعد بین المللی تعارض داشته باشد (Sersiron, 2023: 284-288). این رویکرد باعث می شود که داوری فرانسه از دو مزیت عمده برخوردار شود. نخست آنکه افزایش سرعت و کارآمدی داوری و دوم، تقویت جایگاه بازار داوری تخصصی (El Ahdab & Mainguy, 2021: 57-58).

در دعاوی سایبری، که مستلزم تخصص فنی و حساسیت امنیتی است، این حداقل مداخله قضایی به داور اجازه می دهد تصمیمات تخصصی خود را اتخاذ کند بدون آنکه نگران ابطال غیرضروری رأی باشد (Garnier et al., 2024: 524-526). به همین سبب، تجربه فرانسه نشان می دهد که کاهش مداخلات غیرضروری، موجب افزایش اعتماد بین المللی و سرمایه گذاری در داوری تخصصی نیز می شود.

۳-۶. جایگاه آزادی اراده در داوری سایبری

اصل آزادی اراده در فرانسه گسترده ترین شکل خود را دارد و اساساً ستون فقرات داوری محسوب می شود. این اصل در گام نخست شامل انتخاب داور متخصص است به نحوی که طرفین می توانند داورانی را انتخاب کنند که دارای تخصص فنی و حقوقی لازم در حوزه سایبری باشند. این امکان، به ویژه در دعاوی پیچیده فناوری اطلاعات حیاتی است، زیرا داور فاقد تخصص قادر به درک صحیح مسائل فنی نیست؛

در گام بعدی موضوع تنظیم قواعد رسیدگی بر اساس استانداردهای امنیتی قرار دارد که بر اساس آن، طرفین می توانند روش ها و پروتکل های مخصوص حفظ محرمانگی داده ها و امنیت الکترونیکی را تعیین کنند، بدون آنکه قوانین عمومی یا مداخلات دادگاه محدودیت ایجاد کند؛

و نهایتاً در مرحله سوم، استفاده از سامانه های داوری آنلاین است که بر اساس آن، داوری آنلاین در فرانسه کاملاً پذیرفته شده و محدودیت حقوقی ندارد. این امکان، افزایش سرعت رسیدگی و کاهش هزینه های داوری را فراهم می کند، به ویژه در دعاوی فرامرزی یا آن هایی که نیاز به حضور فیزیکی داور نیست (Laurent, 2025: 4-7).

اصل آزادی اراده، موجب می‌شود که نظام داوری فرانسه به‌ویژه در حوزه منازعات مرتبط با فناوری و فضای سایبری - از انعطاف‌پذیری قابل توجه و رویکردی تخصص‌محور برخوردار باشد. در چنین چارچوبی، طرفین دعوا این امکان را دارند که با بهره‌گیری از استقلال قراردادی، نه تنها درباره انتخاب داوران متخصص در زمینه‌های فنی مانند امنیت سایبری، داده‌کاوی یا فناوری‌های رمزنگاری تصمیم‌گیری کنند، بلکه شیوه رسیدگی، قواعد حاکم، نحوه تبادل اطلاعات و حتی پروتکل‌های امنیتی را مطابق با نیازهای عملی و تجاری خود تنظیم نمایند (Capelle, 2022: 223-225). این میزان از آزادی و قابلیت شخصی‌سازی در روند داوری، سبب می‌شود استانداردهای امنیتی و حریم خصوصی با حساسیت بیشتری رعایت شود و طرفین نسبت به محرمانگی داده‌های فنی و تجاری خود اطمینان بیشتری داشته باشند (Collectif, 2023: 40-42). در نتیجه، داوری فرانسه به بستری مناسب برای حل و فصل اختلافات پیچیده سایبری تبدیل شده و جذابیت آن برای شرکت‌های بین‌المللی فعال در حوزه فناوری به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. از طرفی، چنین رویکردی نه تنها موجب تقویت بازار داوری تخصصی در فرانسه شده، بلکه به ایجاد الگوی کارآمدی برای سایر کشورها نیز انجامیده است (Pernet, 2023: 181-184). الگویی که نشان می‌دهد ادغام اصول سنتی داوری با الزامات نوظهور دنیای دیجیتال، می‌تواند اعتماد کاربران و بازیگران اقتصادی را در سطح جهانی ارتقا دهد و استانداردهای جدیدی در زمینه حل و فصل اختلافات سایبری ایجاد کند.

۴-۶. نظارت قضایی در مرحله پس از صدور رأی

در فرانسه، ابطال رأی داور تنها در پنج حالت محدود مجاز است:

۱. بی‌اختیاری داور: داور باید اراده آزاد و اختیار قانونی داشته باشد.
۲. تجاوز از حدود مأموریت: داور نباید از حدود صلاحیت خود فراتر رود.
۳. نقض اصول اساسی دادرسی ترافعی: داور باید فرصت مساوی برای دفاع طرفین فراهم کند.
۴. مغایرت فاحش با نظم عمومی بین‌المللی: رأی نباید با حقوق بنیادین بشر یا توافقات بین‌المللی مغایرت داشته باشد.
۵. فقدان مناسبت در ارائه دلایل: داور باید دلایل منطقی و مستند برای تصمیم خود ارائه دهد (Dubois et al., 2023: 171-174). در دعاوی سایبری، نظارت قضایی تنها در مواردی اعمال شده است که امنیت داده‌ها یا عدالت رویه‌ای نقض شده باشد. به عبارت دیگر، حتی در صورت وقوع اختلاف فنی یا ادله پیچیده، دادگاه به‌طور پیش‌فرض مداخله نمی‌کند و استقلال داوری حفظ می‌شود (Martin, 2023: 97-100).

به عنوان نمونه، در رأی صادر شده در تاریخ ۲۰۲۱/۱۱/۲۶ میان شرکت بین‌المللی مهندسی و فناوری و شرکت J&P Avax S.A بر سر موضوع درخواست ابطال رأی داوری بین‌المللی، با ادعای نقض نظم عمومی و اصول دادرسی ترافعی در رسیدگی الکترونیکی و استفاده از ابزارهای دیجیتال، ابتدا داوری در چارچوب قرارداد پیچیده فنی (شامل تبادل داده‌ها و اسناد دیجیتال) برگزار شد. جلسات داوری به‌صورت ترکیبی حضوری و آنلاین انجام شد. دیوان تجدیدنظر پاریس تصریح کرد که اولاً دادگاه حق ورود به ماهیت یا ارزیابی فنی رأی داور را ندارد؛ ثانیاً استفاده از ابزارهای دیجیتال و رسیدگی آنلاین، فی‌نفسه ناقض دادرسی عادلانه نیست و نهایتاً آنکه نظم عمومی بین‌المللی تنها در صورت نقض فاحش و آشکار حقوق بنیادین قابل استناد است، بنابراین، رد دعوای ابطال و تأیید رأی داوری صورت پذیرفت. چنین رأیی، به مثابه کنترل حداقلی و هدفمند قضایی در فرانسه محسوب می‌شود. دادگاه با حمایت از آزادی اراده طرفین و پذیرش داوری الکترونیکی، استقلال داوری را حفظ کرده است. این رویکرد سبب می‌شود داوری فرانسه در حوزه سایبری از قابلیت

پیش‌بینی، سرعت عمل و عمق تخصصی بالایی برخوردار شود. هنگامی که چارچوب نظارتی بر تشخیص و جلوگیری از نقض‌های آشکار اصول بنیادین متمرکز است و از مداخله‌های غیرضروری پرهیز می‌شود، طرفین می‌توانند با اطمینان بیشتری وارد فرایند داوری شوند. چنین ساختاری نه تنها اعتماد کاربران و سرمایه‌گذاران بین‌المللی را در مواجهه با اختلافات فنی و پیچیده افزایش می‌دهد، بلکه به شفافیت و ثبات حقوقی نیز کمک می‌کند. از سوی دیگر، محدود بودن دامنه مداخله دادگاه‌ها در تصمیمات داوری، داوران را ترغیب می‌کند که با دقت، مسئولیت‌پذیری و تکیه بر دانش تخصصی خود رأی صادر کنند؛ زیرا می‌دانند که احتمال ابطال رأی تنها در صورت نقض جدی و اساسی مقررات وجود دارد، نه به دلیل برداشته‌ها یا اختلاف‌نظرهای جزئی. این امر فضای اطمینان‌بخش و سازنده‌ای ایجاد می‌کند که هم کیفیت داوری را ارتقا می‌دهد و هم کارآمدی رسیدگی در پرونده‌های سایبری را افزایش می‌دهد (Kaplan & Nairac, 2024: 66-69).

۵-۶. تأثیر نظام فرانسه بر کارآمدی داوری سایبری

ترکیب ساختار قانونی مدرن، آزادی اراده گسترده و نظارت محدود قضایی باعث شده است که داوری سایبری در فرانسه از ویژگی‌های مهم و اثربخشی همچون سرعت بالای رسیدگی که بر اساس آن داوران می‌توانند بدون مداخله غیرضروری، پرونده را بررسی کنند، برخوردار باشند. از طرفی، این موضوع امکان انتخاب داوران متخصص، کیفیت تصمیمات را افزایش و معیارهای محدود برای ابطال رأی، پیش‌بینی‌پذیری فرآیند داوری را افزایش می‌دهد و نهایتاً آنکه استانداردهای مشخص و استقلال داور، فرانسه را به مقصد داوری بین‌المللی تبدیل کرده است (Clay & de Fontmichel, 2021: 241-243). پیامد مهم دیگر این موضوع آن است امکان استفاده از داوری آنلاین و تعیین پروتکل‌های امنیتی، داوری را با نیازهای فضای دیجیتال هماهنگ کرده است (Boucher, 2023: 6-9). بر این اساس بایستی اذعان داشت که فرانسه، نمونه‌ای موفق از تعادل میان آزادی اراده طرفین و کنترل قضایی هدفمند است. این مدل قابلیت اقتباس و الگوگیری برای نظام‌های حقوقی دیگر، به‌ویژه کشورهای که هنوز در مسیر تدوین مقررات داوری سایبری هستند، دارد. تجربه فرانسه نشان می‌دهد که محدودسازی مداخلات غیرضروری، تخصص‌گرایی داوران و پذیرش آزادی اراده، موجب افزایش کارآمدی و اعتبار داوری می‌شود (Garnier et al., 2024: 517-520). بنابراین، بایستی خاطرنشان نمود که ساختار حقوقی فرانسه بر اساس استانداردهای بین‌المللی و استقلال داوری طراحی شده است. همچنین، کنترل قضایی محدود و هدفمند است و دخالت غیرضروری وجود ندارد. از طرفی، آزادی اراده طرفین در انتخاب داور و تنظیم قواعد رسیدگی، به‌ویژه در دعاوی سایبری، تقویت شده است. نظارت قضایی پس از صدور رأی تنها در پنج مورد محدود امکان‌پذیر بوده و نهایتاً آنکه این نظام باعث افزایش سرعت، تخصص‌گرایی، اعتماد بین‌المللی و انعطاف‌پذیری در داوری سایبری شده است.

۷. مقایسه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه در موضوع کنترل قضایی بر آرای داوری در دعاوی سایبری با تأکید بر اصل آزادی اراده طرفین

برای تحلیل تطبیقی، نویسندگان بر اساس چهار مولفه کلیدی داوری در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه را مورد بررسی و مذاقه خواهند داد که به ترتیب عبارتند از: ساختار حقوقی، آزادی اراده طرفین، دامنه و ماهیت نظارت قضایی، و اثر جرایم سایبری و چالش‌های تخصصی.

۷-۱. مقایسه ساختار حقوقی داوری

نظام داوری ایران بر پایه سه منبع قانونی اصلی است. قانون آیین دادرسی مدنی، قانون داوری تجاری بین‌المللی ۱۳۷۶ و مقررات مرتبط با تجارت الکترونیکی و فناوری اطلاعات. این ساختار قانونی دوگانه، به‌ویژه در دعاوی سایبری، ابهاماتی ایجاد می‌کند. تفاوت رویکرد میان قوانین داخلی و بین‌المللی باعث اختلاف در میزان استقلال داوری و دامنه نظارت قضایی می‌شود. به عنوان مثال، در دعاوی سایبری که نیاز به تخصص فنی دارند، محدودیت‌ها و برداشت‌های قضایی از نظم عمومی گاهی کارآمدی داوری را کاهش می‌دهد (بهرامی، ۱۴۰۳: ۹۱-۹۳). این در حالی است که در نظام حقوقی فرانسه دارای ساختاری یکپارچه و مدرن است. اصلاحات ۲۰۱۱ با هدف افزایش اعتماد طرفین، کاهش مداخلات دادگاه و تاکید بر استقلال داوری، زمینه مناسبی برای رسیدگی تخصصی فراهم کرده است. داوری در فرانسه به‌ویژه در دعاوی سایبری انعطاف‌پذیر بوده و امکان استفاده از داوران متخصص و سامانه‌های داوری آنلاین فراهم است (Boissésou et al., 2023: 77-79). بر این اساس، ایران و فرانسه در ساختار قانونی تفاوت آشکار دارند. ایران با دوگانگی قوانین و نبود هماهنگی کامل بین قانون داخلی و بین‌المللی مواجه است، در حالی که فرانسه با یکپارچگی قانونی، امکان پیش‌بینی دقیق نتایج و تضمین استقلال داوری را فراهم کرده است. این موضوع نشان می‌دهد که یکپارچگی ساختار حقوقی، عامل کلیدی در کارآمدی و اعتماد به داوری سایبری است.

۷-۲. آزادی اراده طرفین و انتخاب داور

آزادی اراده طرفین در ایران از نظر قانونی پذیرفته شده، اما در عمل محدودیت‌هایی دارد. دادگاه‌ها در مرحله تشکیل داوری و رسیدگی به صلاحیت داور دخالت گسترده دارند، به‌ویژه در دعاوی سایبری که حساسیت فنی و امنیتی بالاست. این مداخلات می‌تواند انتخاب آزاد داور و تعیین قواعد داوری را محدود کند و انعطاف‌پذیری فرآیند داوری را کاهش دهد (صالح احمدی، ۱۴۰۳: ۸۰-۸۱). از طرفی، اصل آزادی اراده در فرانسه بسیار گسترده است. طرفین می‌توانند داوران متخصص، قواعد رسیدگی اختصاصی و روش‌های داوری آنلاین را بدون محدودیت انتخاب کنند. آزادی اراده در فرانسه ستون فقرات داوری است و استقلال داوران را تقویت می‌کند (Kaplan & Nairac, 2024: 179-182). بنابراین، در فرانسه آزادی اراده طرفین به‌طور عملی و مؤثر حفظ شده است، در حالی که در ایران، مداخلات قضایی و برداشت‌های موسع از نظم عمومی گاهی محدودیت ایجاد می‌کند. نتیجه این مقایسه این است که حفظ آزادی اراده طرفین با ایجاد معیارهای شفاف برای داوری سایبری می‌تواند نقش مهمی در افزایش کارآمدی داوری ایفا کند.

۷-۳. دامنه و ماهیت نظارت قضایی

دامنه نظارت قضایی در ایران گسترده و شامل همه مراحل داوری است: از تأیید شرط داوری و صلاحیت داور، تا نظارت غیرمستقیم در مرحله رسیدگی و امکان ابطال رأی. در دعاوی سایبری، حساسیت قضات نسبت به امنیت داده‌ها و رعایت اصول دادرسی منجر به افزایش دامنه نظارت شده است. این نظارت گسترده گاهی استقلال داور و سرعت رسیدگی را کاهش می‌دهد (ملکوتی، ۱۴۰۳: ۱۴۴-۱۴۷). در فرانسه اما نظارت قضایی محدود و هدفمند است. دادگاه‌ها تنها در پنج مورد مشخص می‌توانند رأی داور را ابطال کنند و مداخله در مرحله رسیدگی یا تعیین داور بسیار محدود است. حتی در دعاوی سایبری، کنترل تنها در موارد نقض آشکار اصول بنیادین و امنیت داده اعمال می‌شود (Capelle, 2022: 156). در این رابطه بایستی اذعان داشت که تفاوت اساسی میان دو نظام در میزان مداخله است. ایران با رویکرد

محافظه کارانه و گسترده، آزادی اراده و استقلال داوری را محدود می‌کند، در حالی که فرانسه با کنترل هدفمند و محدود، تعادل میان استقلال داوری و تضمین عدالت را برقرار می‌کند. این الگو نشان می‌دهد که نظارت قضایی محدود و تخصص‌محور، کارآمدی داوری سایبری را افزایش می‌دهد.

۴-۷. اثر جرایم سایبری و چالش‌های تخصصی

جرایم سایبری ماهیت مختلط دارند و اغلب شامل ابعاد مدنی و کیفری هستند. این ویژگی باعث شده است دادگاه‌ها حساسیت بالایی داشته باشند و مداخلات گسترده انجام دهند. در مواردی که جرایم رایانه‌ای، هک یا دسترسی غیرمجاز مطرح است، داوری ممکن است به‌طور کامل تحت تأثیر ملاحظات امنیتی قرار گیرد و آزادی اراده طرفین کاهش یابد (فضلی و بزرگمهر، ۱۴۰۳: ۶۴-۶۶). در فرانسه اما ماهیت جرایم سایبری تأثیر محدودی بر داوری دارد. با وجود حساسیت‌های امنیتی، آزادی طرفین برای تعیین قواعد رسیدگی و انتخاب داور متخصص حفظ می‌شود. نظارت قضایی تنها در موارد نقض آشکار اصول بنیادین یا امنیت داده اعمال می‌شود (Sabab, 2022: 106-110). بر این اساس، ایران و فرانسه در مواجهه با جرایم سایبری تفاوت عمده‌ای دارند. ایران به دلیل عدم وجود چارچوب قانونی مشخص برای جرایم سایبری و برداشت‌های قضایی موسع، نظارت گسترده اعمال می‌کند. فرانسه با تعریف دقیق حدود نظارت، آزادی اراده و تخصص داور را حفظ می‌کند. نتیجه آن است که وجود چارچوب قانونی روشن و محدودسازی دخالت‌های قضایی، عامل کلیدی در موفقیت داوری سایبری است.

بنابراین می‌توان اذعان نمود که بر اساس بررسی تطبیقی صورت گرفته از نظام حقوقی ایران و فرانسه کلید موفقیت در داوری سایبری، ترکیب سه عامل اصلی یکپارچگی و شفافیت ساختار قانونی (قوانین باید هماهنگ، قابل پیش‌بینی و متناسب با دعاوی تخصصی باشند)؛ آزادی اراده طرفین و تخصص‌گرایی داور (انتخاب آزاد داوران متخصص و تعیین قواعد رسیدگی انعطاف‌پذیر، کارآمدی و کیفیت داوری را افزایش می‌دهد) و نهایتاً کنترل قضایی محدود و هدفمند (مداخلات صرفاً در موارد نقض آشکار اصول بنیادین یا امنیت داده اعمال شود، تا استقلال و سرعت داوری حفظ گردد) می‌باشد.

نتیجه‌گیری

تحولات گسترده در حوزه فناوری اطلاعات و فضای سایبری، شیوه‌های سنتی رسیدگی قضایی را با چالش‌های نوینی مواجه ساخته است. داوری، به‌عنوان نهادی خصوصی و مبتنی بر اراده طرفین، توانسته جایگاه ویژه‌ای در حل و فصل اختلافات پیچیده سایبری به دست آورد. با این حال، کارآمدی داوری در این حوزه تنها در صورتی تضمین می‌شود که توازن پایدار میان دو عنصر اساسی یعنی آزادی اراده و کنترل قضایی برقرار گردد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تبیین حدود و آثار کنترل قضایی بر آرای داوری در دعاوی سایبری و بررسی میزان سازگاری آن با اصل آزادی اراده طرفین انجام شد. تمرکز اصلی نویسندگان در پژوهش حاضر بر این موضوع بوده است که چگونه می‌توان در بستر اختلافات سایبری که با پیچیدگی‌های فنی، فرامرزی و امنیتی همراه است تعادلی کارآمد میان استقلال داوری و نظارت قضایی برقرار کرد؛ تعادلی که هم از حقوق اساسی طرفین و نظم عمومی صیانت کند و هم ماهیت تخصصی، سریع و انعطاف‌پذیر داوری را حفظ نماید. پژوهش حاضر با تحلیل این دو عنصر و مقایسه نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه نشان داد که رسیدن به این توازن امری ظریف، چندلایه و نیازمند بازنگری در برخی رویکردهای موجود است. اساساً موضوع

داوری در فضای سایبری ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از داوری در سایر حوزه‌ها متمایز می‌سازد. سرعت تعاملات مجازی، ماهیت فرامرزی داده‌ها، احتمال ناشناس بودن طرفین، نقش پررنگ استانداردهای امنیتی و چالش‌های مربوط به اصالت و اعتبار ادله دیجیتال، همگی نشان می‌دهد که داوری در این حوزه باید از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار باشد. در عین حال، همین پیچیدگی‌ها سبب می‌شود نظارت قضایی نقش مهم‌تری در تضمین عدالت و جلوگیری از سوءاستفاده ایفا کند. در نقطه مقابل، مداخله بیش از حد دادگاه‌ها می‌تواند ماهیت داوری را تضعیف کرده و اعتماد فعالان فضای دیجیتال به این نهاد را کاهش دهد.

در این رابطه، بررسی نظام حقوقی ایران نشان داد که علیرغم وجود زیرساخت‌های قانونی نسبتاً مناسب در قانون داوری تجاری بین‌المللی، رویه قضایی و برداشت‌های عملی از مفاهیمی چون نظم عمومی، صلاحیت داور و قواعد آمره، گستره نظارت قضایی را بیش از حد معمول گسترش داده است. این امر در دعاوی سایبری به دلیل حساسیت‌های امنیتی و تکنیکی بیشتر نمود دارد و باعث شده کارآمدی داوری در برخی موارد تحت تأثیر قرار گیرد. همچنین عدم یکپارچگی قوانین مربوط به فضای سایبری و نبود رویه قضایی مشخص، باعث بروز سردرگمی در اعمال نظارت قضایی شده است. در مقابل، نظام حقوقی فرانسه الگویی پیشرفته و متوازن را ارائه می‌کند. این کشور با تمرکز بر اصل آزادی اراده و پذیرش گسترده داوری در حوزه‌های مختلف از جمله دعاوی سایبری، قوانین نظارتی خود را به حداقل ممکن رسانده و دخالت دادگاه را به موارد نقض اساسی محدود کرده است. در فرانسه، دخالت قضایی نه برای جایگزینی داوری، بلکه برای تضمین سلامت و مشروعیت روند داوری طراحی شده است. تجربه این کشور نشان می‌دهد که کاهش مداخلات غیرضروری قضایی نه تنها به افزایش کارآمدی داوری منجر می‌شود، بلکه به ایجاد بازار داوری تخصصی و جلب اعتماد بین‌المللی نیز کمک می‌کند.

بر اساس تحلیل تطبیقی صورت پذیرفته می‌توان اذعان نمود که تقویت داوری در دعاوی سایبری مستلزم سه اقدام اساسی است: ایجاد یک چارچوب قانونی منسجم برای دعاوی سایبری، محدودسازی مداخله قضایی به موارد ضروری، و تقویت آزادی اراده در تبادل داده‌ها و انتخاب داوران متخصص. در غیاب چنین اصلاحاتی، داوری سایبری در ایران با چالش‌های جدی در اجرا و اعتبار مواجه خواهد بود. علاوه بر آن، مشخص شد که فلسفه داوری در فضای سایبری باید با ماهیت دیجیتال این دعاوی هماهنگ شود. اگر داوری سایبری را مشابه داوری سنتی تحلیل کنیم، عملاً بخش مهمی از مزایای آن از بین خواهد رفت. برگزاری جلسات آنلاین، استفاده از ابزارهای رمزنگاری، رعایت پروتکل‌های امنیت سایبری، حضور داوران متخصص فناوری اطلاعات و پذیرش ادله دیجیتال باید بخشی از ساختار رسمی داوری در این حوزه باشد. در همین راستا، نظارت قضایی نیز باید خود را با این ویژگی‌ها سازگار کند؛ به گونه‌ای که نه مانع نوآوری باشد و نه عدالت را تهدید کند. در نهایت، موضوع قابل توجه و به نوعی دستاورد اصلی پژوهش این است که تعادل میان آزادی اراده و کنترل قضایی نه صرفاً یک انتخاب نظری، بلکه ضرورتی عملی برای کارآمدی داوری سایبری است. اگر آزادی اراده مطلق شود، احتمال سوءاستفاده و نقض حقوق کاربران بالاست؛ اگر کنترل قضایی توسعه یابد، داوری عملاً بی‌معنا می‌شود. رسیدن به این تعادل تنها از مسیر ایجاد قواعد خاص برای داوری سایبری، آموزش قضات، تخصصی‌سازی داوری و یکپارچه‌سازی قوانین امکان‌پذیر است.

راهکارهای پیشنهادی

۱. تدوین دستورالعمل‌های تخصصی داوری سایبری در چارچوب قوانین موجود: به جای تصویب قانون مستقل که مستلزم فرایند تقنینی طولانی است، می‌توان از ظرفیت قوانین فعلی (قانون آیین دادرسی مدنی، قانون داوری تجاری بین‌المللی و قانون تجارت الکترونیکی) استفاده و از طریق آیین‌نامه‌ها یا دستورالعمل‌های تخصصی، قواعد مربوط به داوری در دعاوی سایبری را تبیین کرد. این دستورالعمل‌ها می‌توانند شامل حداقل الزامات امنیت داده‌ها، شیوه ارائه و ارزیابی ادله دیجیتال، و ضوابط رسیدگی الکترونیکی باشند و به کاهش ابهام در حدود نظارت قضایی کمک کنند.

۲. تحدید مفهوم نظم عمومی در دعاوی سایبری از طریق رویه قضایی هدایت‌شده: به جای تعریف تقنینی گسترده و مبهم از نظم عمومی سایبری، واقع‌بینانه‌تر آن است که دادگاه‌ها با صدور آرای مستدل و ایجاد رویه منسجم، دامنه نظم عمومی را به موارد نقض آشکار اصول بنیادین مانند امنیت داده‌ها، حقوق اساسی اشخاص و عدالت رویه‌ای محدود کنند. این رویکرد از توسعه تفاسیر موسع و غیرقابل پیش‌بینی جلوگیری کرده و در عین حال، امکان مداخله قضایی در موارد ضروری را حفظ می‌کند.

۳. تخصص‌گرایی تدریجی در داوری و نظارت قضایی دعاوی سایبری: به جای ایجاد ساختارهای جدید و پرهزینه، می‌توان از طریق شناسایی داوران دارای تخصص فناوری اطلاعات و ارجاع ترجیحی پرونده‌های سایبری به این افراد، کیفیت داوری را ارتقا داد. همزمان، تمرکز رسیدگی‌های مرتبط با ابطال یا اجرای آرای داوری سایبری در شعب مشخص دادگاه‌ها، موجب شکل‌گیری تخصص قضایی و کاهش مداخلات غیرضروری خواهد شد.

۴. تقویت آموزش کاربردی قضات و داوران در حوزه فناوری و داوری الکترونیکی: آموزش مستمر و کاربردی قضات و داوران در زمینه ماهیت دعاوی سایبری، ادله دیجیتال و سازوکارهای داوری الکترونیکی، یکی از عملی‌ترین راهکارها برای ایجاد تعادل میان کنترل قضایی و استقلال داوری است. این آموزش‌ها می‌تواند در قالب دوره‌های کوتاه‌مدت، دستورالعمل‌های عملی و بهره‌گیری از تجارب تطبیقی نظام‌های موفق انجام شود و بدون نیاز به اصلاحات ساختاری گسترده، کیفیت نظارت قضایی را بهبود بخشد.

منابع:

۱. منابع فارسی

کتاب‌ها

- اسلامی، سیدمحمدهادی. (۱۴۰۲). بایسته‌های داوری داخلی. تهران: پژوهش‌های عدالت.
- السان، مصطفی. (۱۴۰۲). فضای مجازی. تهران: شهر دانش.
- الهی منش، محمدرضا و سدره‌نشین، ابوالفضل. (۱۴۰۱). محشای قانون جرایم رایانه‌ای. تهران: مجد.
- امیریان، پرستو. (۱۴۰۲). حوزه‌های نظارت قضایی و اداری در رسیدگی به تخلفات. تهران: ارشدان.
- بهرامی، بهرام. (۱۴۰۳). بایسته‌های داوری در حقوق ایران. تهران: نگاه بینه.
- پرتو، حمیدرضا و کریمی، عباس. (۱۴۰۲). حقوق داوری داخلی. تهران: دادگستر.
- جعفری، افشین و رسول‌پور نالکیاشری، سمیه. (۱۴۰۳). حقوق فضای سایبر. تهران: مجد.
- حسینی، سیدمحبوبه. (۱۳۹۸). داوری در حقوق ایران. تهران: گیوا.
- حسینی کرانی، فرزاد. (۱۴۰۴). بررسی تطبیقی مبانی و ضوابط قرار نظارت قضایی در حقوق ایران و انگلیس. تهران: ارشدان.
- سجودی، سیدرضا. (۱۴۰۳). اعتراض به آراء در قانون و رویه قضایی. تهران: دادگستری کل استان تهران.
- صالح احمدی، سحر. (۱۴۰۳). جرایم رایانه‌ای در نظم حقوقی کنونی. تهران: آوا.
- عبادی‌نژاد، مهدی. (۱۴۰۴). نقد و بررسی قانون نظارت بر رفتار قضات در نظام قضایی کشور. تهران: میزان.
- عزیزی، امیرمهدی. (۱۳۹۸). حقوق کیفری جرایم رایانه‌ای. تهران: مجد.
- علی‌دادی ده‌کهنه، علی و جوهری، ابودر. (۱۴۰۳). حقوق داوری کاربردی. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- غلامی‌نیا، محمدصادق. (۱۴۰۳). جرائم رایانه‌ای، سایبری و فضای مجازی. تهران: نسل روشن.
- فتیلی، صادق و کمائی، مریم. (۱۴۰۳). جرائم سایبری. تهران: حکمت.
- فصیح‌رامندی، منصوره. (۱۴۰۳). آثار حقوقی فضای مجازی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- فضلی، حسن و بزرگمهر، امیرعباس. (۱۴۰۳). تحلیل آیین دادرسی و جهات ابطال رأی داوری. تهران: دادگستری کل استان تهران.
- کولائی، محمدعلی؛ سجودی، سیدرضا و پروین، حبیب. (۱۴۰۴). قراردادهای تأمین و نظارت قضایی در قانون و رویه قضایی. تهران: دادگستری کل استان تهران.
- مالیر، محمود و امیریان فارسانی، امین. (۱۳۹۵). جرم‌شناسی جرایم سایبری از منظر پیشگیری. تهران: مجد.
- ملکوتی، رسول. (۱۴۰۳). مسئولیت مدنی در فضای سایبر. تهران: مجد.
- میرمرادی، میرمنصور. (۱۴۰۳). جرایم سایبری. تهران: میزان.
- نصرتی، ناصر. (۱۴۰۲). اختیارات در قانون و رویه قضایی. تهران: مجد.

مقالات

- ابریشمی راد، مهدی. (۱۳۹۹). «آسیب شناسی نظارت قانونی و شرعی قضات دادگاه‌ها بر مقررات دولتی در ایران». «اندیشه‌های حقوق عمومی»، ۱۷(۲)، ۷-۲۴.
- پیشنامز اهری، حسن؛ بسامی، مسعود و توسلی زاده، توران. (۱۳۹۹). «مطالعه تطبیقی قرارهای نظارت قضایی در حقوق کیفری ایران و انگلستان». «ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران»، ۳(۴)، ۲۲۴۱-۲۲۶۴.
- جبان، ماجد؛ صابر، محمود و موسوی مجاب، درید. (۱۴۰۳). «نظارت قضایی پیشینی بر تعقیب و تحقیق؛ مبانی و پیامدها». «حقوقی دادگستری»، ۸۸(۱۲۸)، ۱۹۷-۲۲۶.
- خادم‌پور مشهدی، مانا و نیک‌فرجام شیرازی، کاوه. (۱۴۰۳). «فیشینگ و حقوق حریم خصوصی: بررسی تقابل امنیت دیجیتال با آزادی‌های فردی». «حقوق سایبری»، ۱(۳)، ۱-۲۱.
- رضایی، سارا و امینی، محمد. (۱۴۰۳). «مسئولیت کیفری در دیپ‌فیک و جعل هویت تصویری». «حقوق سایبری»، ۱(۲)، ۱-۲۳.
- ساردوئی نسب، محمد و مولوی، بهنام. (۱۴۰۳). «تحلیل اعتبار شروط داوری نامتقارن در نظام حقوقی ایران». «حقوق خصوصی»، ۲۹(۱)، ۴۱-۲۹.
- شریف‌زاده خرم، امیرحسین. (۱۴۰۴). «بررسی اعتبار و قابلیت استناد ادله الکترونیک تولیدشده توسط الگوریتم‌ها در نظام دادرسی و حقوق سایبری». «حقوق سایبری»، ۲(۱)، ۳۴-۴۹.
- شریفی، بهروز و فرهمندپور، پروین دخت. (۱۴۰۴). «جایگاه حقوق سایبری در تبیین مسئولیت دولت‌ها نسبت به حملات سایبری برون مرزی». «حقوق سایبری»، ۲(۲)، ۱-۱۳.
- عبدلی، فردین؛ اححییی درگاه، بهنام و ضرابی، میترا. (۱۴۰۳). «توسعه قلمرو داوری به اشخاص ثالث در حقوق ایران، فقه امامیه و انگلستان با رویکرد بر رویه قضایی». «پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست»، ۶(۳)، ۸۶-۱۰۷.
- فیضی، آرش و کاظمی، سمیه. (۱۴۰۳). «چالش‌های حقوق مالکیت معنوی در هوش مصنوعی مولد و آثار تولید شده توسط آن». «حقوق سایبری»، ۱(۱)، ۱-۱۳.
- مطیع، حمیدرضا؛ احمدی، سیدمهدی؛ حسینی مقدم، سیدعسکری و رحیمی واسکسی، حسین. (۱۴۰۳). «بررسی چالش‌های داوری و میانجیگری در نظام قضایی ایران». «آموزه‌های فقه و حقوق جزاء»، ۱(۴)، ۱۰۳-۱۲۰.
- میرزاده کوه‌شاهی، نادر. (۱۴۰۱). «نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر شورای رقابت و نهادهای مرتبط». «پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب»، ۹(۳)، ۳۵۵-۳۸۴.
- میرفتاح، سید احمدرضا؛ احمدی، احمد و زمانی، مسعود. (۱۳۹۸). «چالش‌های داوری آنلاین در نظام حقوقی ایران و نظام حقوق بین‌الملل». «جامعه‌شناسی سیاسی ایران»، ۲(۳)، ۲۲۴-۲۴۸.
- نادری، فائزه. (۱۴۰۲). «چالش‌های حقوقی و مقرراتی در اجرای احکام داوری آنلاین». «پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست»، ۵(۴)، ۲۸۰-۳۰۰.

نجفی‌زاده، لیلا؛ مولایی، یوسف و السان، مصطفی. (۱۴۰۳). «آثار اعتراض به رأی داوری داخلی در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق استرالیا». پژوهشنامه حقوق تطبیقی، ۲۸(۲)، ۱۹۹-۲۱۸.

یوسفی، نازنین و افشاری، سارا. (۱۴۰۳). «مالکیت داده‌های بزرگ از منظر حقوق مالکیت فکری». حقوق سایبری، ۲۱(۲)، ۸۴-۱۰۳.

۲. منابع انگلیسی

- Al Sarhi, M. N., & Al Alaween, K. A. (2024). Jordanian Judicial Oversight of the Arbitration Decision. *Dirasat: Shari'a and Law Sciences*, 51(3), 1-16.
- Baig, K., & Hashmi, M. A. I. (2025). Judicial Intervention, Party Autonomy, and Efficiency: A Comparative Doctrinal Study of the UK Arbitration Acts 1996 and 2025. *Asia Social Science & Arbitration Journal*, 3(01), 2130-2156.
- Jain, R., Hrle, T., & Woods, D. W. (2025). Insurance versus Digital Harm: A Content Analysis of Home and Cyber Insurance Policies in the USA and UK. *Journal of Cybersecurity*, 11(1), 11-36.
- Kostova, S. (2023). Party Autonomy in a Modern Context. Working Paper. Aberdeen: University of Aberdeen.
- Pulatov, T. (2025). Cybersecurity in Financial Technologies: Civil Law Measures for Prevention and Damage Compensation. *Journal of Law and Digital Policy*, 3(3), 34-44.
- Rivoire, M. (2025). Party Autonomy and the Applicable Law to the Merits in ICC Arbitration. *Journal of International Arbitration*, 41(2), 213-234.
- Stone, R. (2024). Putting Freedom of Contract in Its Place. *Journal of Legal Analysis*, 16(1), 94-117.
- Urbas, G. (2023). *Cybercrime: Legislation, Cases and Commentary* (3rd ed.). Chatswood: LexisNexis Australia.
- Watters, P. A. (2023). *Cybercrime and Cybersecurity*. Boca Raton: CRC Press.

۳. منابع فرانسوی

- Bernard, P. (2024). Exequatur et incidents procéduraux en arbitrage numérique: conséquences jurisprudentielles récentes. *Revue française de droit constitutionnel*, (46), 411-438.
- Boissésou, M., Fouchard, C., & Madesclair, J. (2023). *Le droit français de l'arbitrage* (1^{re} éd.). Paris: LGDJ.
- Boucher, P. (2023). *Panorama: Arbitrage et mutation numérique*. Paris: Presses Universitaires de France.
- Capelle, P. (2022). *L'arbitrage collectif* (Vol. 215). Paris: Dalloz.
- Clay, T., & de Fontmichel, M. (2021). *Code de l'arbitrage commenté*. Paris: LexisNexis.
- Collectif. (2023). *Les Cahiers de l'Arbitrage*. Paris: LGDJ.
- Dubois, S., Robert, J., & Dupont, A. (2023). La jurisprudence étrangère en matière d'arbitrage et numérique: tendances 2023-2024. *Revue trimestrielle de droit civil*, 36(3), 162-196.
- El Ahdab, J., & Mainguy, D. (2021). *Droit de l'arbitrage* (1^{re} éd.). Paris: LexisNexis.
- Garnier, M., Lemoine, I., & Renault, L. (2024). Numérique, cybersécurité et modes alternatifs de règlement des litiges. *Revue de science criminelle et de droit pénal comparé*, 18(4), 508-536.
- Jarrosson, C. (2023). L'arbitrage: une justice sans palais. *Lex Revue juridique*, 28(6), 45-62.
- Kaplan, C., & Nairac, C. (2024). *Les Cahiers de l'Arbitrage N°2-2024*. Paris: LGDJ.

- Laurent, A., Simon, M., Roussel, E., & Lambert, E. (2025). Le traitement des cyber-breaches en arbitrage: aspects d'assurabilité et preuve électronique.
- Martin, F. (2023). Le traitement des cyber-breaches en arbitrage: aspects d'assurabilité et preuve électronique. Paris: Dalloz.
- Pernet, M. (2023). Droit de l'arbitrage commercial (1^{re} éd.). Paris: Enrick B. Éditions.
- Sabalbal, H. (2022). *Le droit applicable dans l'arbitrage d'investissement*. Paris: Éditions L'Harmattan.
- Sersiron, A. (2023). La dimension institutionnelle refoulée du Bitcoin (réflexions liées aux modes alternatifs de règlement des litiges numériques). *Revue de l'arbitrage*, 48(2), 277–300.
- Tschanz, P.-Y., & Spoorenberg, F. (2024). La jurisprudence étrangère en matière d'arbitrage et numérique: tendances 2023–2024. *Revue de l'arbitrage*, 28(1), 1221–1238.